

واکاوی توصیف نظام حقوق مالکیت فکری در ایران

بنیامین طاهری^۱؛ محمدعلی دهقان پور^۲؛ محمد وحید شفقت^۳

دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۱۸ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۲۳

چکیده

تعریف حقوق مالکیت فکری برای بیان تعارض منافع عمومی و خصوصی موضوعی مهم و بنیادین است؛ زیرا مشخص بودن اهداف، اصول و اثبات مال بودن محصول فکری و مالکیت پدیدآورنده مباحثی است که ارزش منافع عمومی و خصوصی را در حقوق مالکیت فکری مشخص می‌سازد؛ از سوی دیگر زمینه مناسبی برای بیان تعارض منافع عمومی و خصوصی ایجاد می‌کند. پرسش مهمی که قبل از بررسی سوابق و زمان شکل‌گیری حقوق مالکیت فکری پیش می‌آید، طرح سوال پیرامون حقوق مالکیت فکری و شناسایی گستره‌ای است که می‌بایست تعارض در میان منافع عمومی و خصوصی در آن بررسی گردد، زیرا بدون مشخص شدن معنا و مفهوم یک موضوع و گستره کاربردی و عملی آن، بررسی و ارائه راه‌حل کار در خصوص آن غیرممکن و در صورت انجام بیهوده است. این پژوهش در پی آن است تا با روش توصیفی و تحلیلی اثبات نماید که اولویت بخشیدن نسبت به هریک از این دو منفعت می‌تواند نحوه حمایت از آثار مالکیت فکری و مدت این حمایت را مشخص نماید؛ به عبارتی چنانچه در یک کشور منافع خصوصی افراد (پدیدآورندگان) ارجحیت داشته باشد، باعث می‌شود که مدت و نحوه حمایت از پدیدآورندگان در قانون آن کشور طولانی‌تر و جدی‌تر باشد و اگر به منافع عامه توجه شود، مدت حمایت کم‌تر و نحوه حمایت ضعیف‌تر می‌شود.

کلید واژگان: حقوق مالکیت فکری، حقوق بشر، مالکیت، پدیدآورنده، نظام حقوقی ایران.

^۱. کارشناسی ارشد، گروه حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، ایران؛ benyamin.taheri021@gmail.com

^۲. کارشناسی ارشد، گروه حقوق مالکیت فکری، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، ایران؛ mohammadalidehghanpour24@gmail.com

^۳ کارشناسی ارشد، گروه حقوق مالکیت فکری، دانشکده حقوق، دانشگاه قم، ایران؛ shafaghat.vahid@gmail.com

مقدمه

برای تعریف یک موضوع ابتدا باید عنوان و اصطلاح آن موضوع روشن و مشخص باشد. جدای از کلمه حق که تعریف می‌شود در میان حقوقدانان ایرانی هنوز در مورد نام حقوقی که از محصولات فکری و افرادی که دارای آن یا پدیدآورنده آن هستند حمایت می‌کند اختلاف وجود دارد. عده‌ای از اصطلاح مالکیت معنوی بهره می‌برند و عده‌ای دیگر از مالکیت فکری. استدلال افراد طرفدار مالکیت معنوی این است که این حقوق از آن جهت که وجود مادی ندارند و همگی آنان نیز از تفکر و اندیشه سرچشمه نگرفته‌اند مانند حق سرقفلی مناسب است که از حقوق مالکیت معنوی برای آن استفاده شود.

در مقابل عده‌ای با تأکید بر این که این حقوق ناشی از فکر و اندیشه انسان است و کلمه معنوی در لغت در مقابل مادی قرار گرفته است و نمی‌تواند معنای مناسب و کامل از این دسته از آثار ارائه دهد مالکیت فکری را برگزیده‌اند (زر کلام ستار، ۱۳۸۷، ص ۳ و ۴). استدلال دیگری که می‌توان برای استفاده از مالکیت فکری به جای مالکیت معنوی انجام داد توجه به معنی عبارت "انتلکچوال پراپرتی"^۱ است. عبارت اینتلکچوال^۲ در هیچ کدام از دیکشنری‌های معتبر زبان انگلیسی معنی "معنوی" برایش تعریف نشده است و معانی مانند فکری، ذهنی و هوشمندانه به صورت صفت و به صورت اسم انسان اندیشمند برای آن به کاررفته است (شبیری زنجانی، ۱۳۸۷، ص ۵).

از طرف دیگر حقوق مالکیت فکری حقوق معنوی به دارندگان آثار فکری اعطا می‌نماید که ممکن است مالکیت معنوی با حقوق معنوی اشتباه گرفته شود و جای یکدیگر استفاده گردد و یا باعث به اشتباه افتادن مخاطب شود که حقوق مادی برای پدیدآورنده آثار فکری وجود ندارد. اصلاح حقوق فکری^۳ اولین بار توسط حقوقدان بلژیکی در سال ۱۸۹۹ استفاده شد (صفایی، ۱۳۷۵، ص ۶۹).

بعد از مشخص شدن معنای درست فکری برای این دسته از حقوق مورد بعدی که باید مورد بررسی قرار گیرد کلمه مالکیت است. مالکیت به رابطه خاص بین مالک و ملک اشاره می‌کند که امکان تصرف مالک در ملک را نشان می‌دهد. این رابطه و سلطه، گاه حقیقی و واقعی است؛ یعنی مالک، سلطه واقعی و حقیقی بر ملک دارد؛ مانند مالکیت

^۱. intellectual property

^۲. intellectual

^۳. dorit intellectuel

خداوند بر مخلوقات و مالکیت انسان بر نفس یا بر صورت ذهنی اشیا. گاهی نیز این سلطه اعتباری است؛ یعنی بین مالک و ملک فقط رابطه و سلطه‌ای فرض می‌شود که آنچه جدا و گسیخته از مالک است، به‌منزله آنچه به او ارتباط دارد، در نظر گرفته شود. در واقع نوعی شبیه‌سازی صورت می‌گیرد. این تعریف دو نوع مالکیت را تصویر می‌کند اول مالکیت حقیقی و دوم مالکیت اعتباری. بنابراین، می‌توان این‌گونه بیان کرد که مالکیت حالت یا واقعیت حق‌های انحصاری و کنترل بر دارایی یا مال است که ممکن است هر دارایی‌ای باشد شامل یک شیء، زمین، املاک و مستغلات، مالکیت فکری و حتی حیوانات است. در رابطه با آثار فکری ما چه مالکیت را حقیقی و چه اعتباری در نظر بگیریم مشکلی برای اثبات مالکیت پدیدآورنده بر مال فکری نخواهیم داشت، زیرا اگر مالکیت را حقیقی در نظر بگیریم، یعنی بیان شود که انسان مالک ذهن و افکار خود است و به شکل طبیعی مالک محصول آن نیز می‌گردد مانند ماده ۳۳ قانون مدنی^۱ مشکلی ایجاد نمی‌شود. اگر هم اعتباری و وضعی در نظر بگیریم بازهم با توجه به اراده قانون‌گذار بر این امر مشکلی وجود ندارد، مگر اینکه آثار ذهنی را مال در نظر بگیریم که با تعریف مال تحت عنوان مال چیزی است که ارزش دادوستد را دارد و در مقابل آن پول یا مال دیگری پرداخت می‌شود (کاتوزیان، ۱۳۸۳، ص ۱۹). آثار فکری مال محسوب می‌شود و تمامی شرایط مال بودن رو می‌توان بر آن منطبق کرد. این شرایط عبارت است از:

- ۱- مال باید قابل اختصاص دادن به شخص حقیقی یا حقوقی باشد.
- ۲- در صورت اختصاص به شخص، قابل نقل و انتقال باشد. پس هر چه که مستقلاً قابل نقل و انتقال نیست، مال نیست.
- ۳- دارای نفع باشد. پس ده شاهی در زمان حاضر مال نیست.
- ۴- نفع عقلایی داشته باشد.
- ۵- ارزش ذاتی داشته باشد، مانند کار و کارگر، تمبر پست، طلب و منافع، نه آن‌که حاکی ارزش باشد، مانند اوراق قرضه و دستور پرداخت‌ها و سهام شرکت‌ها که حاکی از اهداف مالی هستند (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۶، ص ۳۱۲۶-۳۱۲۷).

۱. نما و محصولی که از زمین حاصل می‌شود مال مالک زمین است چه به‌خودی‌خود روئیده باشد یا به‌واسطه عملیات مالک مگر اینکه نما یا حاصل از اصله یا حبه غیر حاصل شده باشد که در این صورت درخت و محصول مال صاحب اصله یا حبه خواهد بود اگرچه بدون رضای صاحب زمین کاشته شده باشد.

با توجه به توضیحات بالا و در نظر گرفتن مالکیت برای پدیدآورنده بر روی آثار فکری موضوع تعارض منافع خود را نمایان می‌نماید زیرا مالکیت قدرت تصمیم‌گیری در رابطه با اثر فکری را به پدیدآورنده اهدا می‌کند که می‌توان باعث ارجحیت منافع فرد مالک بر دیگران شود.

بعد از تبیین کلمات مالکیت و فکری باید معنی حق و انطباق حق بر روی آثار فکری بررسی شود. حق در لغت معنای زیادی دارد، اما معنای موردنظر در این مبحث معنای ملک و مال و اختیاری که طبیعت، قانون، یا عرف به کسی داده است.^۱ کلمه حق را در شکل حقوقی می‌توان این‌گونه تعریف کرد: حق امری اعتباری و وضعی است برای صاحب آن که اختیار تصمیم‌گیری در آن موضوع را به او اعطا می‌نماید؛ زیرا حق به‌وسیله قانون وضع و انشاء می‌گردد. حقوق جمع کلمه حق است و خود دارای معانی مختلف و وسیعی است که شامل دستمزد تا علم حقوق می‌شود؛ اما در اینجا مراد ما از کلمه حقوق این تعریف است: مجموعه‌ای از امتیازات فردی یا گروهی شناخته‌شده در جامعه است که ناشی از قوانین و مقررات حاکم بر آن است و قراردادی و وضعی است. بعد از تبیین معنای حق و حقوق انطباق آن بر مالکیت فکری باید بررسی گردد. با توجه به معنا و تعریف کلمات حق و حقوق کلمات مالکیت و فکری کاملاً بر حقوق منطبق هستند و عبارت حقوق مالکیت فکری عبارتی درست و بسیار جامع است.

بعد توضیح کلمه به کلمه عبارت حقوق مالکیت فکری نوبت تعریف عبارت "حقوق مالکیت فکری" است، اما تاکنون تعریف جامعه از حقوق مالکیت فکری ارائه نشده است، بنابراین ابتدا تعدادی از تعاریف مثال زده می‌شود و در انتها تعریف موردنظر ارائه می‌شود. در ماده دو کنوانسیون تأسیس سازمان جهانی مالکیت فکری،^۲ مالکیت فکری این‌گونه تعریف شده است: مطابق ماده‌ی دو کنوانسیون، مالکیت فکری شامل حقوقی در مورد آثار ادبی و هنری و علمی، اجرای هنرمندان، اصوات ضبط‌شده، برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی، اختراعات (در همه‌ی زمینه‌ها)، اکتشافات علمی، طرح‌های صنعتی، نشان‌های تجاری، علائم خدماتی، اسامی و عناوین تجاری و حمایت در برابر رقابت غیرمنصفانه است و البته در پایان اشاره می‌شود که همه‌ی این موارد مثال است و به‌صورت کلی‌تر، تمام حقوق ناشی از فعالیت‌های فکری در حوزه‌های صنعتی، علمی و

۱. فرهنگ معین و فرهنگ عمید

ادبی، مشمول مالکیت فکری هستند.^۱ در تعریفی مشابه سازمان تجارت جهانی^۲ مالکیت فکری را حقوق ناشی از دستاوردهای فکری اعلام می‌کند که این حقوق مالکیت فکری به ایجادکنندگان دستاوردهای فکری تعلق می‌گیرد.^۳ یا در تعریف دیگر مالکیت فکری یا مالکیت اندیشه به حقوقی گفته می‌شود که به صاحبان آن حق بهره‌وری از اندیشه و خلاقیت را می‌دهد و ارزش اقتصادی و قابلیت دادوستد دارد؛ ولی موضوع آن شیء معین مادی نیست (صفایی، ۱۳۸۲، صص، ۲۲-۲۴).

با توجه به تعاریف بالا نحوه نگارش آنان که بیشتر به بیان زیرشاخه‌ها امتیازات اعطایی توسط حقوق مالکیت فکری می‌پردازد می‌توان دریافت که ارائه یک تعریف کامل و جامع از حقوق مالکیت فکری کار آسانی نیست اما برای آشنایی با این مفهوم و شناساندن آن به دیگران بدون نیاز به عنوان مثال و زیرشاخه‌های این حقوق می‌توان حقوق مالکیت فکری را این‌گونه تعریف کرد: حقوق مالکیت فکری مجموعه‌ای از قوانین و مقرراتی است که از فعالیت‌ها و محصولات ناشی از فکر، خلاقیت و ابتکار را حمایت کرده و در این راستا یک سری حقوق مادی محدود به زمان و حقوق معنوی دائمی به پدیدآورنده‌ی آن اعطاء می‌نماید.

۱- موضوع حقوق مالکیت فکری

منظور از موضوع حقوق مالکیت فکری چیست؟ اولین سؤال در رابطه با موضوع حقوق مالکیت فکری که باید پاسخ داده شود این سؤال است. این موضوع در تشخیص تعارض منافع، ایجاد آن و ارائه راهکار برای کاهش تعارض منافع اهمیت بسیار بالایی دارد زیرا محصولات فکری دارای نمود خارجی هستند که به مالکیت فرد خریدار درمی‌آید حال اگر موضوع حقوق مالکیت فکری مشخص نباشد ما با پدیده‌ای مانند تعارض منافع دو مالک بر شیء واحد روبه‌رو می‌شویم، جدای از این موضوع با تعیین موضوع مالکیت فکری و شفاف شدن موضوع بحث گام مهمی در تعیین حدود تعارض و راهکارهای حل آن برداشته می‌شود. اولین دیدگاه در نظر گرفتن محصولات موردحمایت حقوق مالکیت فکری به‌عنوان موضوع است؛ یعنی ما آثاری مانند کتاب، نقاشی هرگونه اختراع، علامت

1. <http://wipolex.wipo.int/en/text/283854>

2. WTO

3. http://www.wto.org/english/tratop_e/trips_e/htm.

تجاری و ... را با توجه به شرایط مخصوص به خود یعنی آن ویژگی‌ها که باید یک اثر داشته باشد تا به طور مثال به عنوان یک اثر ادبی و هنری شناخته شود و این ویژگی‌ها به شکل مشخص در قوانین تمام کشورها آمده و در کنوانسیون‌های بین‌المللی نیز بر آن تاکید شده است و مورد پذیرش اکثر کشورها است صرف نظر از اختلاف ناشی از مبانی در نظام کامن لا و نظام حقوق نوشته که در نهایت هر دو نظام اثر نقاشی را به طور مثال حمایت می‌کنند اما بر مبنای خودشان به عنوان موضوع تلقی کنیم که در این صورت با تعدد موضوع روبه‌رو هستیم و در حمایت از تمام آثار مالکیت فکری نمی‌توان از یک رویه پیروی کرد و در نهایت این امر باعث چنددستگی و بروز اختلاف در تشخیص آثار جدید به عنوان آثار فکری می‌شود.

در رد این نظر همچنین می‌توان این گونه بیان کرد که این نظر تجسم فیزیکی آثار فکری را به عنوان موضوع مالکیت فکری معرفی می‌کند، به این صورت که اثر نقاشی را چون دارای نمود خارجی است حمایت می‌نماید، البته این موضوع را نباید با بحث حمایت از بیان ایده و عدم حمایت از ایده اشتباه گرفت (کلمبه، کلود، محمد زاده وادقانی، ۱۳۹۰، صص ۲۸-۲۹)، بلکه در این نظر یک کتاب را تنها کاغذ و جوهر در نظر می‌گیرند و به همین علت فرض می‌کنند موضوع حقوق مالکیت فکری محصولات مورد حمایت آن است در صورتی که اگر این گونه بود تمامی حقوق مؤلف کتاب بعد از فروش نسبت به آن قطع می‌شد در حالی که به عنوان مثال قانون ایران^۱ مدت حمایت از حق مؤلف را سی سال بعد از مرگ او تعیین کرده است یا کنوانسیون برن در بند ۱ ماده ۷ این مدت را ۵۰ سال در نظر گرفته است.^۲ این مسئله نشان می‌دهد که موضوع مالکیت فکری چیزی جدا از نمود ظاهری آن است.

دیدگاه بعدی در رابطه با موضوع حقوق مالکیت فکری دیدگاهی است که برخلاف نظر اول اعتقاد دارند که آثار مورد حمایت حقوق مالکیت فکری موضوع حقوق مالکیت فکری نیست بلکه موضوع حقوق مالکیت فکری یک موضوع واحد است و از نمود خارجی آثار فکری جدا است. برای موضوع مالکیت فکری ۹ مورد و موضوع مطرح شده است که عبارت‌اند از ۱- افکار و اندیشه‌های موجود در اثر؛ ۲- هیئت حاصل از ارائه افکار

۱. ماده ۱۲ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان و هنرمندان

۲. زر کلام، همان، ص ۲۰۲

در قالب اثر مادی؛ ۳-خلاقیت؛ ۴- اشیا خارجی؛ ۵- کار؛ ۶- رابطه بین اشخاص؛ ۷- اشیاء مجرد؛ ۸- فعل ارسال اندیشه؛ ۹- اطلاعات^۱ (شبییری زنجانی، ۱۳۷۸، ص ۱۲۶). حال از میان این نه موضوع کدام یک موضوع حقوق مالکیت فکری است؟

در مورد افکار و اندیشه نمی‌توان آن را به‌عنوان موضوع در نظر گرفت زیرا در این صورت جلوی تولید آثار جدید و همچنین آثار اشتقاقی که اکنون مورد حمایت هستند گرفته می‌شود؛ زیرا در تولید آثار جدید الهام و استفاده از آثار گذشته امری ناگزیر است که به این صورت جلوی این عمل گرفته می‌شود زیرا این افکار موجود در اثر در این صورت اموال پدیدآورنده به حساب می‌آید. در ضمن ما از ایده و اندیشه حمایت نمی‌نماییم بلکه از نحوه بیان و بیان ایده حمایت می‌نماییم، به همین دلیل است که از دو نقاشی با یک منظره اما به شکلی متفاوت حمایت به عمل می‌آید.

در مورد هیئت حاصل از افکار در قالب اثر فکری می‌توان این موضوع را به موضوع حمایت از آثار فکری به‌عنوان موضوع تشبیه کرد. افراد طرفدار این نظر نیز تجسم خارجی را به‌عنوان موضوع در نظر گرفته‌اند. مشکل این نظر این است که با تغییر شکل ظاهری اثر در این صورت اثر به اثر دیگری تبدیل می‌گردد که حتی ممکن است مورد حمایت واقع نشود. مثل تبدیل نقاشی به بنر. در رابطه با اشیا خارجی به‌عنوان موضوع هم همان‌طور که گفته شد شیء نمی‌تواند موضوع حقوق مالکیت فکری باشد. در مورد موضوع خلاقیت می‌توان گفت که این موضوع به‌خصوص در قرن ۱۸ به‌عنوان موضوع حقوق مالکیت فکری مورد قبول اکثر حقوقدانان قرار داشت. اوج این باور با مقاله توماس وبستر در سال ۱۸۵۳ بود، در رابطه با اختراعات که خلاقیت را به‌عنوان طبیعت حق ناشی از حقوق مالکیت فکری دانست. حتی امروزه هم این نظر می‌تواند صحیح باشد اما کامل نیست و نشانه‌های جغرافیایی و علائم تجاری و بعضی دیگر از آثار مورد حمایت حقوق مالکیت فکری دارای خلاقیت نیستند.

در رابطه با کار به‌عنوان موضوع حقوق مالکیت فکری این موضوع تحت عنوان نظریه کار به‌صورت مفصل بررسی می‌شود اما به‌طور خلاصه فیلسوف انگلیسی جان لاک^۲ قرن ۱۷ این نظریه را بیان کرد که هم‌اکنون مبنای حقوق مالکیت فکری انگلیس و سایر کشورهای کامن‌لا به‌غیر از آمریکا است؛ اما برای رد این نظر این استدلال کافی است که

۱. شبییری زنجانی، همان، ص ۱۲۶

2. Locke

کار شخص و نتیجه آن همواره متعلق به او نیست و این باعث رد این نظریه به‌عنوان موضوع می‌شود.

اشیاء مجرد به‌عنوان موضوع حقوق مالکیت فکری نظر دیگری است که وجود دارد. تعریف اشیاء مجرد بحث فلسفی است و از حوصله این نگارش خارج است اما مثال مشخص و بارز اشیاء مجرد اعداد است. اشیاء مجرد به علت گستردگی که دارند تمامی زیرشاخه‌های حقوق مالکیت فکری را شامل می‌شود؛ اما به علت آن‌که اشیاء مجرد مفهومی انتزاعی است و تفسیرهای متفاوتی می‌توان از آن ارائه کرد و به این شکل هرچه دایره تجرد را تغییر دهیم محدوده حمایت از آثار فکری تغییر می‌نماید (شبیری زنجانی، همان، ص ۱۴۶-۱۴۷)؛ بنابراین به علت متغیر بودن و سرعت تحول بالای مفاهیم مجرد نسبت به مفاهیم مادی نمی‌توان آن را به‌عنوان موضوع حقوق مالکیت فکری در نظر گرفت.

اما نظریه آخر اطلاعات^۱ است. این نظریه امروزه مهم‌ترین و موردپذیرش‌ترین نظریه برای موضوع حقوق مالکیت فکری است. اطلاعات مفهوم دقیقی دارد و به داده‌هایی که بر روی آن کار شده است و صرفاً خبر نیستند اطلاق می‌شود؛ بنابراین موضوع هرکدام از آثاری که تحت حمایت حقوق مالکیت فکری است، اطلاعاتی است که پدیده آورنده روی آن کار کرده است و دیگر خام و به شکل خبر نیست و به شکل پیام به مخاطبان و عموم عرضه می‌شود. این نظریه دیگر مشکلات نظریه‌های دیگر را ندارد و به‌ظاهر و نمود خارجی آثار فکری بستگی ندارد و هم مثل اشیاء مجرد مفهومی متغیر نیست.

۲- اصول و اهداف حقوق مالکیت فکری

۲-۱ اصول حقوق مالکیت فکری

امروزه به‌طور کلی چهاراصل اساسی را می‌توان برای حقوق مالکیت فکری برشمرد و هرکدام از این چهاراصل خود دارای اصولی در زیرمجموعه خود هستند که حدودو ثغور این اصول اصلی و نحوه اجرای آنان را مشخص می‌نمایند. این چهاراصل عبارتند از:

- ۱- اصل عدم‌حمایت از ایده؛ ۲- اصل رفتار ملی؛ ۳- اصل دولت کامله‌الوداد؛ ۴- اصل سرزمینی بودن. اصول سرزمینی بودن و عدم‌حمایت از ایده، اصول اختصاصی در زمینه

1. informations

حقوق مالکیت فکری می‌باشند اما اصل رفتار ملی و دولت کامله‌الوداد از طریق کنوانسیون‌ها و موافقت‌نامه‌ها به حقوق مالکیت فکری وارد شده‌اند و در سایر موافقت‌نامه‌ها و کنوانسیون‌ها که ممکن است مربوط به حقوق مالکیت فکری نیز نباشد وجود دارند اما از جهت اهمیتی که دارند و در بحث تعارض منافع نیز تأثیر دارند مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

۲-۱-۱ اصل عدم حمایت از ایده

برای توضیح عدم حمایت از ایده اول باید خود کلمه ایده مورد بررسی قرار گیرد و مفهوم آن روشن شود. در فرهنگ‌نامه‌های فارسی برای ایده این معانی تعریف شده‌اند «اندیشه، فکر، خیال، تصور، رأی، عقیده، نیت، سلیقه ادبی و صنعتی» (فرهنگ فارسی عمید، ص ۲۲۲) و در فرهنگ لغت بازرگانی ایده را «یک فکر یا اندیشه که تلاش می‌کند به صورت اجمالی یک مفهوم یا هدف را ارائه دهد». تعریف می‌کند؛ اما اصطلاح ایده در حقوق مالکیت فکری چه معنایی دارد؟ این موضوع از آنجا اهمیت پیدا می‌کند که اگر تعریف مشخصی ارائه نشود از مفهوم ایده در تعیین مصداق در زمینه تشخیص ایده و عدم حمایت از آن مشکل به وجود می‌آید و در محاکم قضایی قضاوت تفاسیر گوناگونی را از ایده ارائه می‌نمایند که می‌تواند باعث صدور آرای متناقض شود. از ایده تعاریف گوناگونی به عمل آمده است مانند، ایده یک اندیشه و فکر غیر متبلور و عاری از قالب مادی است (Ginsburg, 1992, p338) یا در تعریف دیگر ایده مفهومی است که در ذهن شکل می‌گیرد و منبع پیدایش آن فکر یا الهام است (محسنی، افشان، ۱۳۹۵، ص ۲)، اما تعریف جامع و کامل‌تر و مطابق نظر نگارنده می‌تواند طرح و نقشی که در عالم ذهن انسان شکل می‌گیرد و فاقد وجود خارجی و هرگونه ارزش مادی و معنوی است. حال این اصل از کجا مطرح و چه جایگاهی در حقوق مالکیت فکری دارد؟

این اصل در کنوانسیون برن به شکل واضح و صریح بیان نشده است اما از مفاد ماده ۲ آن که بیان می‌کند: «که کشورهای عضو می‌توانند حمایت خود را منوط به تثبیت اثر بر حامل مادی کنند». می‌توان نتیجه گرفت که این اصل در کنوانسیون برن مورد پذیرش قرار گرفته است؛ اما در ماده ۲ معاهده کپی‌رایت و ایپو این اصل عدم حمایت از ایده و حمایت از بیان ایده به شکل صریح آورده شده است. در معاهده تریپس هم در بند ۲

ماده ۹ این اصل بیان شده است. حمایت از این اصل در سازمان تجارت جهانی به این شکل است هر عضوی که از ایده بر اساس مقررات حق مؤلف حمایت کند، موافقتنامه تریپس را نقض نموده است (Busche and Arend, 2009). در رابطه با مالکیت صنعتی نیز محرز است که از ایده حمایت نمی‌شود زیرا این حقوق مانند اختراع و علائم تجاری و طرح صنعتی برای دریافت حمایت باید به ثبت برسند و این موضوع در کنوانسیون پاریس و تریپس مورد تصریح قرار گرفته است. عدم حمایت از ایده یکی از موضوعاتی است که راه را برای خلق آثار جدید فکری باز نگه می‌دارد و نقش مهمی در تأمین منافع عمومی دارد زیرا که خلق آثار فکری هر چه بیشتر باشد سطح زندگی و کیفیت زندگی مردم را بالا می‌برد.

۲-۱-۲ اصل رفتار ملی

اصل رفتار ملی از اصول مهم و قدیمی در حقوق مالکیت فکری است. برای شناخت این اصل ابتدا باید مفهوم آن، علت شکل‌گیری و همچنین کنوانسیون‌های بین‌المللی که این اصل را شناسایی و مورد پذیرش قرار داده‌اند، مورد بررسی قرار گیرند. این اصل مقرر می‌دارد که در حمایت از آثار مالکیت فکری و پدیدآورنده آن، کشورها از تصویب و اعمال قوانینی که برای اتباع خود امتیازات بیشتری نسبت به اتباع کشورهای دیگر در نظر گرفته باشد منع شده‌اند و آثار پدیدآورندگان خارجی در کشور دیگر از همان قوانین و امتیازاتی که نسبت به اتباع خود آن کشور اعمال می‌گردد بهره‌مند می‌شود؛ اما بهره‌مندی از این اصل یک شرط اساسی دارد و آن عضویت در کنوانسیون‌های بین‌المللی است که این اصل را به رسمیت شناخته‌اند. این اصل در کنوانسیون‌های برن، پاریس و معاهده تریپس شناسایی شده است و شرط اعمال این اصل نسبت به اتباع خارجی عضویت در این کنوانسیون‌ها است (میر شمسی، ۱۳۹۳)؛ زیرا با عضویت در این کنوانسیون‌ها کشورهای عضو مجبور به تنظیم قوانین خود مطابق با قوانین این کنوانسیون‌ها هستند.

اصل رفتار ملی ریشه در قرون ۱۷ و ۱۸ میلادی به شکل جدی وارد حقوق بین‌الملل شد و گروسوس^۱ فیلسوف و حقوقدان هلندی بیان داشت که «لازم است که وضعیت

1. Grotius

اتباع بیگانه تا جایی که ممکن است با اتباع داخلی همسان شود» (حکمت نیا، ۱۳۸۷، ص ۸۶). این اصل ابتدا در ماده ۲ کنوانسیون پاریس بیان و وضع شد و سپس در دیگر کنوانسیون‌ها و معاهدات آورده شد مانند بند ۳ ماده یک معاهده تریپس. این اصل به واسطه لازم‌الاجرا بودن کنوانسیون‌های پاریس و برن و معاهده تریپس در قوانین کشورها نیز راه‌یافته است مانند قانون تعرفه‌های ایالات متحده آمریکا. اصل رفتار ملی باعث رفتار برابر با یک اثر در سطح کشورهای مختلف می‌شود اما این موضوع با توسعه حمایت از آثار فکری می‌تواند تعارض آفرین نیز باشد.

۲-۱-۳ اصل دولت کامله‌الوداد

این اصل در واقع بیان می‌نماید که عضو سازمان تجارت جهانی و معاهده تریپس هرگونه امتیاز و مصونیت که به یکی از کشورهای عضو یا غیر عضو در سازمان تجارت جهانی اعطا می‌شود به دیگر کشورها نیز بدون هیچ‌گونه قید و شرطی اعطا گردد. این اصل در واقع ابتکار معاهده تریپس و سازمان تجارت جهانی و قبل از آن موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت است که بعد از تشکیل سازمان تجارت جهانی به آن منتقل شد زیرا در زمینه حقوق مالکیت فکری و قبل از تریپس این اصل در هیچ‌کدام از کنوانسیون‌های مالکیت فکری وجود نداشته است، بنابراین اولین بار این اصل در ماده ۴ معاهده تریپس و قبل از آن ماده ۱ گات^۱ آمده است؛ اما قدمت این اصل که به‌طور تاریخی از آن با عنوان برابری خارجی یاد شده است، قدمتی بسیار بیشتر از نظام تجارت چندجانبه و قلمروی فراتر از تجارت داشته است. سابقه آن را می‌توان تا قرن شانزدهم و هفدهم متعاقب رشد تجارت جهانی و حتی پیش‌تر از آن تا قرن دوازدهم سراغ گرفت. نمونه‌های مفاد کهن اصل کامله‌الوداد پیمان صلح و دوستی انگلستان و اسپانیا در سال ۱۷۱۳، پیمان آمریکا و فرانسه در سال ۱۷۷۸ و پیمان کوبدن-شوالیه میان انگلستان و فرانسه در سال ۱۸۶۰ است (Goode, 2003).

این اصل را می‌توان تکمیل‌کننده اصل رفتار ملی و در جهت ایجاد رفتار برابر میان اتباع بیگانه کشورهای مختلف با یکدیگر و با اتباع همان کشور امتیاز دهنده دانست. اصل دولت کامله‌الوداد از طرفی باعث ایجاد عدالت در برخورد با آثار فکری همه

1. GATT

پدیدآورندگان می‌شود اما از طرف دیگر می‌تواند این تعارض را به وجود بیاورد که یک کشور برای به دست آوردن یک موضوع و محصول موردنیاز حمایت‌های اضافی از مابقی آثار فکری را متحمل شود.

۲-۱-۴ اصل سرزمینی بودن^۱

بر اساس این اصل، اعتبار یک حق یا نهاد به وسیله یک نظام حقوقی، منحصر در سرزمینی است که حاکمیت سیاسی آن سرزمین به قواعد حاکم بر روابط مردم اعتبار بخشیده است (Hart, Oregon & Kur, 1996).

این اصل در واقع اقتدار و حاکمیت یک حکومت در سرزمین خود را به رسمیت می‌شناسد و برای آن ارزش و اعتبار قائل می‌شود. بر اساس این اصل یک دولت می‌تواند در سرزمین خود از موضوعاتی حمایت نماید که شاید در دیگر کشورها از آن حمایت به عمل نیاید یا شرایط حمایت از یک محصول را تغییر دهد. برای مثال شرط اصلی حمایت از اثر ادبی و هنری در نظام نوشته اصالت^۲ است، درحالی‌که در نظام کامن لا اصالت آن قدر اهمیت ندارد و بیشتر به کار پدیدآورنده توجه می‌شود و اصالت در مرحله بعد قرار دارد. به موجب اصل سرزمینی از ابتدا حقوق مالکیت فکری وجود داشته است و عنصر مفروض در شکل‌گیری حمایت از آفرینش‌های فکری در چهارچوب مالکیت فکری است (Draho, Peter: 1999. P4)؛ زیرا همان‌طور که گفته شده حقوق مالکیت فکری امروزی با تصویب قوانین در کشورها به وجود آمده است و هر کشور متناسب با نیاز خود اقدام به این کار کرده است.

امروزه اصل سرزمینی با وجود دو اصل رفتار ملی و دولت کامله‌الوداد مقداری کم‌رنگ شده است و کشورها مجبور شده‌اند برای عضویت در کنوانسیون‌های برن و پاریس و معاهده تریپس قوانین خود را مطابق با آنان تغییر داده و همسو کنند اما بازهم اصل سرزمینی بودن حقوق مالکیت فکری یکی از اصول مهم حقوق مالکیت فکری به شمار می‌آید. در موضوع تعارض منافع، اصل سرزمینی نقش بسیار مهمی را ایفا می‌نماید زیرا که این اصل می‌تواند هم راهکاری برای کاهش تعارض باشد و هم افزایش‌دهنده تعارض باشد. کاهش‌دهنده به این شکل که یک کشور و دولت با اقتدار خود هر جا که لازم دید

1. The Principle of Territoriality

2. originality

و تعارض را بیش از اندازه تشخیص داد به نوعی که باعث ضرر به منافع عمومی یا خصوصی باشد از آن به شیوه متناسب با شرایط جلوگیری نماید. افزایش دهنده نیز از این جهت می تواند باشد که اگر اصل سرزمینی بدون نظارت اعمال شود یک کشور می تواند هرگونه تصمیم گیری در رابطه با حقوق مالکیت فکری داشته باشد که این تصمیمات تعارض منافع در این حقوق را افزایش دهد.

۲-۲ اهداف حقوق مالکیت فکری

به طور کلی با توجه به این که پیدایش حقوق مالکیت فکری در دوره رنسانس با تصویب قوانین در کشورها اتفاق افتاد بنابراین در آن دوران و قبل از جهانی شدن و گسترش مالکیت فکری هر کشور هدف و انگیزه ای متفاوت از سایر کشورها داشته است؛ اما امروزه می توان با توجه به وضعیت بین المللی این حقوق و حمایت هایی که ارائه می دهد اهدافی را برای حقوق مالکیت فکری تعریف کرد که با توجه به کاری که حمایت های حقوق مالکیت فکری انجام می دهد نیز منطبق است.

درواقع حقوق مالکیت فکری با حمایت های خود از پدیدآورنده اثر فکری هم باعث سود مادی و معنوی او می شود و هم باعث در امان بودن محصول او از سرقت و کپی برداری توسط دیگران می شود. این دو حمایت که از پدیدآورنده انجام شود باعث تشویق او و دیگران به تولید اثر فکری و بهره مندی از مزایای آن می شود، در نتیجه سطح علمی و فرهنگی جامعه پدیدآورنده بالا می رود و این همان چیزی است که هر دولت و حکومتی در پی آن است. از طرف دیگر، امروزه با توجه به حمایت های مالکیت فکری، تولیدات فکری بهره وری و آثار اقتصادی زیادی در یک کشور دارند، این امر به حدی تأثیرگذار است که کشورهایی مانند آمریکا به دنبال افزایش سطح حمایت از آثار فکری برای اهداف اقتصادی خود هستند.

بنابراین می توان بیان کرد که هدف اولیه حقوق مالکیت فکری حمایت از پدیدآورنده است و هدف بعدی آن رشد فرهنگی، علمی و اقتصادی از طریق این حمایت است برای مثال ماده ۷ معاهده تریپس اهداف مالکیت فکری را این گونه بیان می نماید که هدف از حمایت های مالکیت فکری توسعه ابداعات تکنولوژیک و انتقال و گسترش فناوری و استفاده متقابل تولیدکنندگان و کاربران به گونه ای است که بتواند به رفاه اجتماعی،

اقتصادی و توازن حقوق و تکالیف منجر شود و این نقطه آغاز تعارض در میان منافع عمومی و خصوصی در نظام حقوق مالکیت فکری را می‌توان از اهداف مالکیت فکری دانست. بدین معنا که نحوه این حمایت‌ها چگونه می‌بایست باشد که سود آن فقط نصیب یک فرد یا شخص و یا کشور نشود و اهداف آن محقق شود و سود آن به هم به عموم برسد و هم به شخص؟

نتیجه‌گیری

تعارض منافع در هر زمینه‌ای وجود دارد و انواع و اقسام مختلفی را شامل می‌گردد مانند تعارض منافع دو شخص خصوصی یا یک شخص عمومی و خصوصی و یا دو شخص عمومی. طبیعتاً مسئله تعارض منافع در عالم حقوق نیز وجود دارد زیرا علم حقوق و قانون، حقوقی را به برخی اشخاص و افراد اعطا می‌نماید و همچنین برخی دیگر را از این حقوق و یا سایر حقوق منع می‌نماید. نظام مالکیت فکری نیز به‌عنوان یکی از زیرشاخه‌های حقوقی از این موضوع مستثنا نیست. مسئله تعارض منافع عمومی و خصوصی در نظام مالکیت فکری مسئله‌ای ریشه‌ای و بنیادین است و با توجه به این موضوع و انتخاب اولویت هریک از این دو منفعت می‌تواند نحوه حمایت از آثار مالکیت فکری و مدت این حمایت را مشخص نمود. مسئله تعارض منافع مرتبط با مبانی مالکیت فکری و نظام حقوقی هر کشور است؛ بدین معنا که آیا در آن کشور اولویت با حقوق جمعی و عامه است یا حقوق خصوصی افراد. مهم‌ترین و بارزترین جلوه از اهمیت و کاربردی بودن بحث تعارض منافع در نظام مالکیت فکری بحث قانون‌گذاری است. اگر در یک کشور منافع خصوصی افراد که در اینجا منظور از افراد پدیدآورندگان است ارجحیت داشته باشد باعث می‌شود که مدت و نحوه حمایت از پدیدآورندگان در قانون آن کشور طولانی‌تر و قوی‌تر باشد اما اگر به منافع عامه توجه شود مدت حمایت کم‌تر و نحوه حمایت ضعیف‌تر می‌شود. در بحث تقنینی و اعمال و ایجاد حمایت از آثار فکری مسئله تعارض منافع یکی از مسائلی است که مورد توجه قرار می‌گیرد و هر کشور با توجه به اولویت‌های خود یکی از این دو منافع را بر دیگری ارجحیت می‌دهد.

منابع

۱. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، انتشارات کتابخانه گنج دانش، چاپ سوم، جلد چهارم. ۱۳۸۶.
۲. حکمت نیا، محمود، مبانی مالکیت فکری، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ دوم. ۱۳۸۷.
۳. زر کلام، ستار، حقوق مالکیت ادبی و هنری، سمت، چاپ اول، ۱۳۸۷.
۴. شبیری زنجانی، سید حسن، مبانی نظری و فقهی حقوق مالکیت فکری، دانشگاه تهران - دانشکده حقوق و علوم سیاسی. ۱۳۸۷.
۵. صفایی، حسین، مالکیت ادبی و هنری و بررسی قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان و هنرمندان، چاپ اول، میزان. ۱۳۷۵.
۶. صفایی، سید حسین، دوره مقدماتی حقوق مدنی، جلد اول اشخاص و اموال. چاپ دوم، نشر میزان، ۱۳۸۲.
۷. فرهنگ معین و فرهنگ عمید.
۸. کاتوزیان، ناصر، اموال و مالکیت، چاپ هشتم، نشر یلدا، ۱۳۸۳.
۹. کلمبه، کلود، محمد زاده وادقانی، علیرضا، اصول بنیادین حقوق مؤلف و حقوق مجاور در جهان، چاپ دوم، میزان، ۱۳۹۰.
۱۰. محسنی، سعید، قبولی درافشان، سید محمدمهدی، بررسی حمایت حقوقی از ایده (مطالعه تطبیقی در نظام‌های حقوقی ایران و فرانسه)، فصلنامه مطالعات خصوصی، شماره ۱، ۱۳۹۵.
۱۱. میر شمسی، هادی، اصل رفتار ملی در مقررات بین‌المللی حقوق مالکیت فکری، تهران، انتشارات شهر دانش، ۱۳۹۳.
12. Drahos, Peter; The Universality of Intellectual Property Rights: Origins and Development, WIPO Conference on 'Intellectual Property Rights and Human Rights', 1999.
13. Ginsburg (Jane C); No "Sweat"? copyright and other protection of work of information after Feist v. Rural Telephone; Loyola of Los Angeles International & Comparative Law Journal, vol. 14. 1871.
14. Goode, Walter. Dictionary of Trade Policy Terms; Cambridge, Cambridge University Press. 4th edition. 2003.
15. Hart, Oregon P. & A. Kur; TRIPs and Intellectual Property in:

Beier F-K, Schricker G (eds) From GATT to TRIPs: the Agreement on Trade-Related Aspects of Intellectual Property Rights. VCH, Weinheim, 1996.

16. Stoll (Peter – Tobias), Busche (Jan) and Arend (Katrin); WTO – Trade – Related Aspects of Intellectual Property Rights; 1nd Edition, Boston, Max Planck Institute for Comparative Public Law and International Law, 2009.
17. T.Webster, Report from Select Committee on Letters Patent 44.

Analyzing the description of the intellectual property rights system in Iran

Benyamin Ttaheri¹; mohammadali dehghan pour²; Mohammad vahid shafaghat³

Received: 2023/04/07 Accepted: 2023/08/14

Abstract

The definition of intellectual property rights is important and vital to express the conflict of public and private interests because the clarity of the subject, goals, principles, subject matter and proof of ownership of the intellectual product and creator's ownership are on the topics that value the public and private interests in intellectual property rights. It clarifies and expresses the importance of paying attention to both and creates a suitable context for expressing the conflict of public and private interests. An important question that arises before examining the records and the time of the formation of intellectual property rights is what are the rights. Is it intellectual property? Providing a definition of intellectual property rights is necessary to identify the issue in which the conflict between public and private interests is to be examined. Because without clarifying the meaning and definition of a discussion and not identifying its topic, it is impossible to investigate and provide a solution, and if it is done in vain.

Keywords: intellectual property rights, human rights, ownership, creator, legal system of Iran.

-
1. MA. In international Law Faculty of Law, University of Qom, Qom, Iran. Email: benyamin.taheri021@gmail.com.
 2. MA. in Internationa Law Faculty of Law, University of Qom, Qom, Iran. Email: mohammadalidehghanpour24@gmail.com.
 3. MA. in Intellectual Property Rights Faculty of Law, University of Qom, Iran. Email: shafaghat.vahid@gmail.com.